

حیات بخشی احکام در نظام کیفری اسلام

۱- سنگسار

فریبا علاسوند

بر این اساس خداوند برای اداره صحیح نظام بشری، احکامی را فرض نموده است که با اجرای آن، اصل حیات^(۱)، عرض و مال^(۲)، آزادی فردی و اجتماعی^(۳)، امنیت از آسیب اخلاص گران و اضرار آنان که موجب فساد در زمین است^(۴)، و مصونیت در قبال تهمت‌ها و افتراها^(۵)، تضمین می‌گردد. که در یک حکومت اسلامی، زیر بنای صلح اجتماع بوده و معماری این جامعه را بر اساس هندسه‌ی رأفت و رحمت پی می‌ریزد.

سیستم کیفری اسلام براساس معادله و موازنه‌ی عدالت اجتماعی، مجازات‌هایی را در صورت بروز جرایم در نظر گرفته است که می‌توان آنها را در ۴ دسته به طور خلاصه بیان نمود:

- ۱- حدود، در برابر اعمال خلاف عفت و اخلاق و تجاوز به مال و شرف مردم و سایر حقوق عمومی؛
- ۲- تعزیرات، در برابر مجازات‌هایی که تعیین مقدار و خصوصیت آنها بستگی به اهمیت جرم دارد و میزان معینی در شریعت ندارند؛
- ۳- قصاص، در برابر صدمات و لطمات بدنی که بزهار وارد می‌آورد؛
- ۴- دیات، یا خونبها که مجرمین باید در برابر جرایم

در نظام حقوقی اسلام، اعمال ناپسند، غیر اخلاقی و مخالف شرع، کیفرهای خاصی مقرر گردیده که در صورت داشتن ضمانت اجرایی، بقای حیات انسانی و طهارت نسل و مصالح عمومی جامعه را تضمین می‌نماید.

در اسلام، نه فرد برای جماعت قانون می‌گذارد و نه جماعت برای فرد، بلکه فرد و جماعت هر دو پایبند قانون الهی‌اند، که مصالح فرد و جامعه را توأم در نظر دارد. با این ویژگی روشن است که در سایه چنین قانونمندی، سلامت فرد، سلامت اجتماع و امنیت اجتماعی تأمین کننده امنیت شخصی خواهد بود.

بدیهی است که ضمانت اجرای قانون جز به مقابله با خاطیان و قانون شکنان میسر نیست. و باید توسط کیفرهایی متناسب با جرم مجرمین از اخلاص در سلامت و مصلحت عام اجتماع جلوگیری شود.

مسلم، این کیفها، بازتاب و انعکاس انتقام جویی فرد یا جماعتی نیست که قانون را به نفع خود وضع کرده باشند. بلکه همه برای تأمین مصالح عمومی و اعتلای کلمه حق است.

خود بپردازند؛

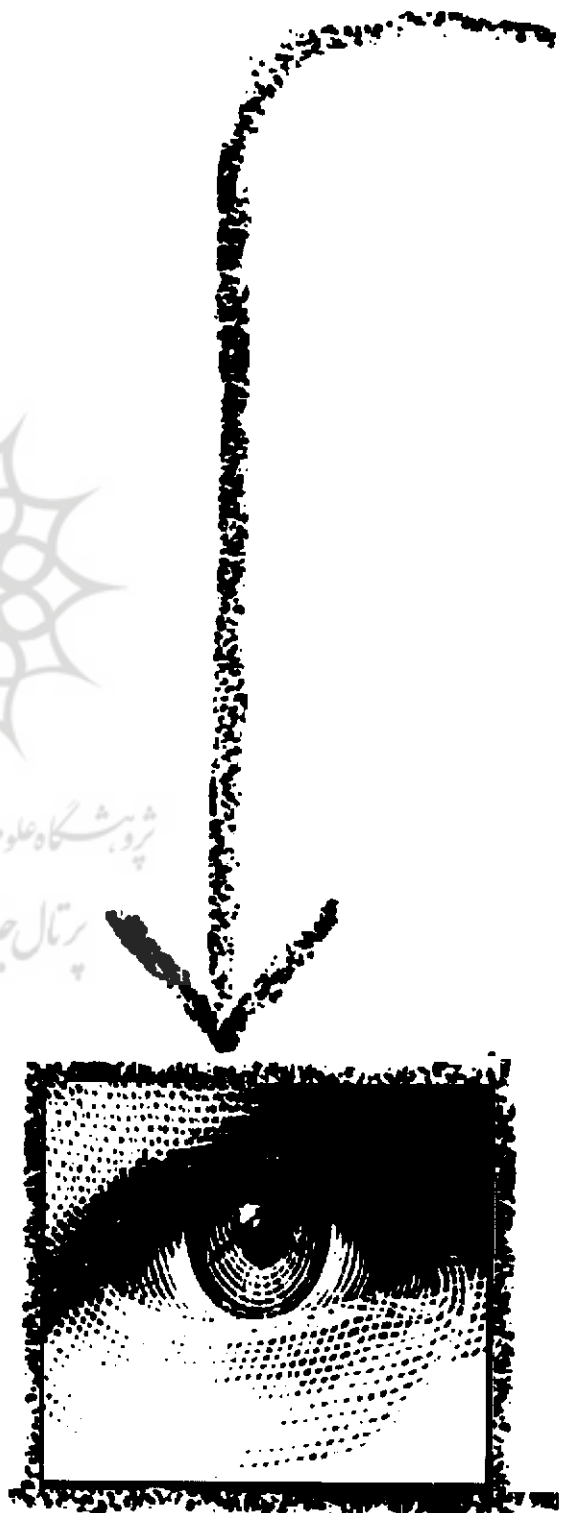
البته به طور طبیعی روشن است که در بعضی موارد که جنایت، ابعاد شخصی و فردی بیشتری دارد و جنبه لطمات اجتماعی، تحت الشعاع صدمات فردی قرار می‌گیرد، دین مبین اسلام در کنار تبیین امر قصاص که گاهی هم در قالب اعدام نمود پیدا می‌کند، طرحی دیگر در انداخته است که نشانگر شالوده و شیرازه اصلی دین و هدفمندی متعالی آن است، و آن اصل «عفو» می‌باشد: ... فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ، فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ آدَاءُ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ (۶)

اجتماعی که در سایه جریان احکام نورانی اسلام، به درجه‌ای از تربیت برسد عفو و اغماض، یکی از امتیازات انسانی در آن محسوب می‌شود و به حسب اقتضای طبع انسانی و انزجار اولیه‌اش از قتل و کشتار یا ایراد ضرب و جرح بر دیگران، بهترین دستورالعمل برای حفظ هویت انسانی مجرم و عمران فضای معنوی وجود او، عفو و گذشت است. تا مجرم خود، در محکمه‌ی وجدانش شرمسار و مستأصل گشته، و راه برای احیایش فراهم شود.

حدود:

چنانچه گذشت یکی از موارد چهارگانه مجازات، حدود می‌باشد. حدود جمع واژه حد و حد در لغت به معنای منع، دفع کردن، بازداشتن، اندازه‌گرفتن، تمیز کردن و تأدیب نمودن است. (۷)

این لفظ در اصطلاح فقها، به مجموعه‌ای از قوانین کیفری اطلاق می‌شود که از طرف حاکم شرع، برای برخی، جرایم تعیین و اجرا می‌شود. در نتیجه حدود گرچه فی‌نفسه جزء فقه قضایی اسلام محسوب می‌شود. ولی اجراء آن جزء اصول



هدایت مردم کوشا می‌باشد و هیچگاه برای جاهل و نادان و ناتوان فکری مجازات قایل نشده است. مبارزه اسلام و شدت عمل آن در برابر لجاجت و عناد معاندین تبهکار می‌باشد، و لذا اصل توبه به عنوان یک راه، همواره بر روی تبهکاران پشیمان باز است.^(۹)

آنچه در پی می‌آید، پژوهشی است پیرامون یکی از حدود معین در اسلام، که با عنایت به مقدمه‌ی مذکور و جایگاه ارزشی آن در اصلاح و تطهیر جامعه بدان پرداخته می‌شود.

«رجم یا سنگسار»

در شرع مقدس اسلام در مواردی کیفر و مجازات تعیین شده در برابر جرم، رجم یا سنگسار است و آن موارد که اجمالاً از انواع اعمال منافی عفت بوده از قرار زیرند:

۱- آمیزش زن و مرد همسر دار، با مرد یا زنی که عاقل و بالغ باشند.

۲- مردانی که مرتکب عمل شنیع همجنس‌بازی یا لواط شوند در صورتی که هر دو بالغ و عاقل باشند.

۳- آمیزش مرد یا زن همسر دار با مرد.

دو نکته در قصاص مجرم این اعمال شنیع قابل توجه است، اول آنکه در صورتی که جرم از طریق اقرار خود شخص ثابت شده باشد، پس از اصابه‌ی اولین سنگ اگر مجرم از آن گودال فزار کرد، بازگرداندن وی مجاز نمی‌باشد؛ و نکته بعد اینکه اگر جرم از طریق گواهی و یا شهادت شهود ثابت شده باشد، برای شروع به اجرای حد سنگسار، اول لازم است خود شهود حد را اجرا نمایند. در این دو نکته لطائفی است که در خلال بحث به آنها اشاره می‌شود.

رجم در منظر ادله و کلمات فقهاء:

گرچه راجع به رجم در آیات الهی سخنی به

● مکالماتی که بین حضرت امیر علیه السلام و

افرادی اینگونه رد و بدل می‌شد، استفاده می‌شود که تا آنجا که ممکن بود

می‌خواستند راه صدور حکم را مسدود نموده، و اگر کوچکترین شک یا شبهه‌ای، فرد راجع به عملش داشت به صورتی که موجب خلاصی او از سنگسار و یا هر حد دیگری می‌شد از او دفع حد می‌کردند.

فقه اسلامی نسبت به اثبات جرم مسامحه و اغماض بسیار قایل شده است، و اصالت با اقرار و اعتراف آزاد و مکرر خود متهم است و اگر این اقرار با اعمال فشار و زور بدست آمده باشد، هیچگونه ارزش قضایی نخواهد داشت و اسلام می‌خواهد از تظاهر به گناه و جرم جلوگیری کند چرا که تظاهر به گناه موجب شیوع و همه‌گیری آن به عنوان یک بیماری غیر قابل علاج خواهد بود.

سیاسی اسلام و از وظایف اجتماعی و سیاسی امام یا ولی فقیه و حاکم شرع، یعنی دولت اسلامی است. و از آنجا که اجرای حدود در مورد مسلمین صورت می‌گیرد، (قال امیرالمؤمنین(ع): لَا يُقَامُ عَلَى أَحَدٍ جَدٌّ بِأَرْضِ الْعَدُوِّ^(۸)) جزء مبانی و اصول سیاست داخلی اسلام محسوب می‌شود. علاوه بر آنکه در برخی جرایم ضد امنیتی و جرایم نظامی و سیاسی نیز شمول دارد؛ مانند سرقت و راهزنی، ارتداد و محاربه که حوزه بررسی اینها همانا فقه سیاسی اسلام است.

پیش از ورود به مبحث اصلی از مباحث مورد نظر، راجع به حدود، این نکته حایز اهمیت است که اسلام قبل از اقدام به مجازات، به مسئله تبلیغ و

می‌کند. برای نمونه مواردی را از کتب قدمای بزرگ شیعه نقل می‌کنیم:

مرحوم شیخ صدوق «متوفای ۳۸۱» در کتاب فقهی خویش بنام مقنع و مرحوم شیخ مفید در مقنعه و همچنین سید مرتضی علم الهدی در انتصار، روایاتی متقن در رابطه با نحوه‌ی اثبات و اجرای این حد آورده‌اند و این کلمات در طول زمان و امتداد فقه شیعه و در کتب قیم آنان آمده است و جای هیچگونه شک و شبهه‌ای را در مشروعیت آن برای ما باقی نمی‌گذارند.

صاحب جواهر، در این زمینه می‌فرماید: «اما «رجم» واجب است نسبت به مرد همسر دار و زن شوهر دار زمانی که با طرف عاقل و بالغی مرتکب عمل «زنا» شوند، و در این حکم هیچ اختلافی را من نیافتیم، بلکه اجماع به هر دو قسمش - محصل و

میان نیامده است، ولی سنت و سیره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اجرای این حد به صورت‌های فوق مسلم بوده، و تاریخ منقول از علمای اهل سنت و شیعه حاکی از اجرای این حد به دست خود رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد؛ مانند دستور حضرت راجع به رجم شخصی بنام «ماعز بن مالک» که پس از آنکه وی چهار بار به این عمل اقرار نمود، از ناحیه ایشان صادر گشت.^(۱۰)

روایات فراوانی نیز با اسناد صحیح از نحوه‌ی قضاوت حضرت امیر علیه السلام نقل شده است که در مواردی حضرت، پس از ثبوت جرم، حکم به سنگسار نموده و خود ایشان نیز گاهی اولین سنگ را به سمت مجرم پرتاب می‌کردند مجموعه‌ای از این روایات در جلد ۱۸ وسایل الشیعه، ابواب مقدمات الحدود و ابواب حد الزنا آمده است.

کتب علمای اهل سنت نیز در موارد بیشماری اجرای این حدود را در زمان خلفای متعدد نقل کرده‌اند چنانچه در مجامع روایی ما احادیث عدیده‌ای به چشم می‌خورد که در آنها خبر اجرای رجم به محضر ائمه علیهم السلام می‌رسیده است و آنان کلماتی را در اهمیت اجرای حدود بیان فرموده‌اند. لذا عدم بیان این حکم در کتاب شریف قرآن دلیلی بر عدم مشروعیت آن نمی‌باشد، و سیره‌ی قطعی معصومین علیهم السلام بزرگترین مفسر و مبیین احکام کلیه و مطلقات آن می‌باشند، چنانچه سر تا سر فقه عظیم شیعه پس از قرآن و امدار سیره و اقوال آن بزرگواران می‌باشد.

کلمات فقهاء: (۱۱)

در بین آثار فقها اعم از شیعه و سنی هیچ اختلاف نظری راجع به ثبوت رجم در شریعت اسلام و حوزه‌ی فقاهاست آن نیست گرچه ممکن است راجع به موارد ثبوت آن و یا سایر ملحقات، اختلاف آرای موجود باشد. بررسی کلمات و نظرات فقهاء از قدیمیترین آنها تا علمای معاصر، واقعیت فوق را به روشنی اثبات

● بعضی افراد عصر زده که روش معمولشان جداسازی یک حکم از خلال احکام اسلام و بررسی جداگانه آن از سیستم است، بدون لحاظ هرچیز دیگری، به اجرای حدود اشکال کرده و آن را رفتاری خشن قلمداد نموده و مقتضای جامعه مدنی نمی‌دانند. غافل از آنکه اگر اساس یک جامعه مدنی رشد یافته بر کرامت انسان و رعایت حقوق آنان باشد، تفاوتی میان حق یک انسان و کل جامعه نیست. در اسلام، ارزش و قیمت یک فرد، برابر است با ارزش اجتماع و یک انسان موحد همانقدر گرامی است که اجتماع انسانی و بالعکس، پس نمی‌توان معدود افراد خطاکار را چنان رها نمود که حیات طیبه اجتماعی را مورد مخاطره قرار دهند و به گسترش فضای متعفن گناه و فحشاء دامن بزنند.

منقول - دلالت بر این حکم دارد، بلکه آنچه در این زمینه آمده نقل پی در پی و متواتر است مانند نصوص روایی متواتر»^(۸۷)

راه اثبات جرم

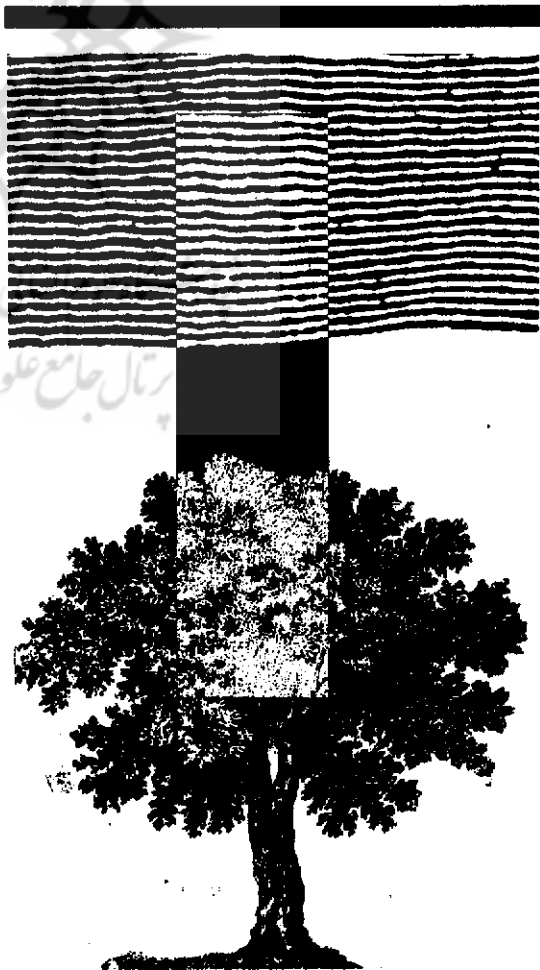
جرائم نوعاً از دو طریق اثبات می‌شوند. ۱- اقرار
۲- شهادت گواهان (بیته)

۱- اقرار

اقرار خود، شرایطی دارد، مثل آنکه مرد باید عاقل و بالغ بوده و از روی اختیار و بدون هیچگونه اکراه یا اجباری اقرار نموده باشد. اقرار نیز چهار بار و ترجیحاً در چهار جلسه باشد. نکته حایز اهمیت راجع به امر اقرار این است که در کتب روایی، روایاتی در زمینه اقرار کسانی که نزد حضرت رسول ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ ثبت و ضبط شده است، که از خلال سؤالها و جوابهایی که بین نبی مکرم اسلام ﷺ و کسانی که مرتکب این فحشاء در عصر وی شده بودند، و از حضرتش درخواست تطهیر داشتند، و نیز مکالماتی که بین حضرت امیر علیؑ و افرادی اینگونه رد و بدل می‌شد، استفاده می‌شود که تا آنجا که ممکن بود می‌خواستند راه صدور حکم را مسدود نموده، و اگر کوچکترین شک یا شبهه‌ای، فرد راجع به عملش داشت به صورتی که موجب خلاصی او از سنگسار و یا هر حد دیگری می‌شد از او دفع حد می‌کردند. سؤالها و جوابها تا آنجا ادامه پیدا می‌کرد که خود شخص با اصرار و تبیین دقیق عمل، راه هر شبهه‌ای را بسته و آنگاه که وقوع عمل احراز می‌شد دیگر ساعتی در اجرای حد تأمل نمی‌نمودند.

لذا از ملاحظات فوق این نتیجه بدست می‌آید که فقه اسلامی نسبت به اثبات جرم مسامحه و اغماض بسیار قایل شده است، و اصالت با اقرار و اعتراف آزاد و مکرر خود متهم است و اگر این اقرار با اعمال فشار و زور بدست آمده باشد، هیچگونه ارزش قضایی نخواهد داشت و اسلام می‌خواهد از تظاهر

● اجتماعی که در سایه جریان احکام نورانی اسلام، به درجه‌ای از تربیت برسد عفو و اغماض، یکی از امتیازات انسانی در آن محسوب می‌شود و به حسب اقتضای طبع انسانی و انزجار اولیه‌اش از قتل و کشتار یا ایراد ضرب و جرح بر دیگران، بهترین دستورالعمل برای حفظ هویت انسانی مجرم و عمران فضای معنوی وجود او، عفو و گذشت است. تا مجرم خود، در محکمه‌ی وجدانش شرمسار و مستأصل گشته، و راه برای احیانش فراهم شود.



کرده و عاقل گشته و بتواند خود، بخورد و بیاشامد. از بلندی سقوط نکند و در چاهی واقع نگردد. زن، از محضر حضرت بازگشت درحالی که گریان بود و خوف از عقوبت عمل، دمی او را آسوده نمی‌گذاشت، در راه به یکی از یاران حضرت به نام عمر بن حرث برخورد و پس از آنکه عمر جوئیای حالش شد، زن شرح ماجرا کرده و مشکل کفالت فرزند را مطرح نمود، عمر، قول کفالت فرزندش را به او داد، و هر دو به نزد حضرت بازگشتند. زن کلام عمر بن حرث را برای حضرت بازگو نمود اما باز هم حضرت علی علیه السلام تجاهل نمود و پرسیدند: عمر برای چه فرزندت را کفالت می‌کند؟ زن اقرار چهارم خود را هم چنین عنوان نمود که «انی زَنَيْتُ فَطَهْرَنِي» آنگاه سر مبارک را به آسمان بلند نمود و عرض کرد «اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ تَبَّتْ عَلَيْهَا أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ.....» در آن هنگام عمر نگاهش به صورت حضرت افتاد که مانند آن بود که اناری بر چهره مبارکشان

● **اعضای شرکت کننده در کنگره «مجمع حقوق تطبیقی دانشکده حقوق جهانی پاریس» در پایان گردهمایی اعلام کردند: «فقه اسلامی با داشتن ذخیره فوق العاده بزرگ و سرشار از قوانین و نصوص می‌تواند پاسخگوی همه دوران‌ها باشد.»**

افشانده باشند، کنایه از آنکه صورت مبارک از ناراحتی به سرخی گرائید. عمر هراسان شده و عرض کرد: من گمان می‌کردم شما ناراحت کفالت فرزند این زن هستید و لذا آن را تقبل کردم، حال حرف خود را باز پس گرفته و بر می‌گردم که حضرت فرمود: «آیا پس از آنکه اصرارها تمام شد؟» (دیگر پس از ثبوت رجم ساعتی در اجرای حد الهی معطل نخواهد ماند)

ولذا اگر اقرار به طور کامل انجام نمی‌شد و شخص مقرر قبل از اتمام دفعات چهارگانه از اعتراف خویش عدول می‌نمود، دیگر رجمی در کار

به گناه و جرم جلوگیری کند چرا که تظاهر به گناه موجب شیوع و همه‌گیری آن به عنوان یک بیماری غیرقابل علاج خواهد بود. و در مقام پیشگیری از ترویج یک بیماری و سلامت روان جامعه‌ی اسلامی، دستورات و تمهیداتی دارد که هم در جهت اصلاح مجرم و هم در جهت سلامت جامعه مفید و مؤثر است.

به عنوان نمونه، روایتی از نحوه‌ی قضاوت حضرت امیر علیه السلام راجع به این مسأله نقل می‌کنیم. مرحوم کلینی (۱۳) به سندی صحیح از امیرالمؤمنین علیه السلام در یک حدیث طولانی نقل می‌کند که زنی به محضر حضرتش می‌شتابد و اقرار به گناه می‌کند و درخواست تطهیر می‌نماید با این استدلال که عذاب دنیا بسی آسانتر از عذاب اخروی است که بر معذب و مجرم قطع نخواهد شد.

حضرت علی علیه السلام فرمودند مِمَّا أَطَهَرُكُمْ؟ از چه چیزی تو را تطهیر سازم؟ عرض کرد «انی زَنَيْتُ فَقَالَ لَهَا: وَ ذَا بَعْضُ أَنتِ؟» آیا تو حین ارتکاب عمل همسردار بوده‌ای؟ عرض کرد آری حضرت فرمود: - أَفحاضراً كان بَعْضُكَ... آیا همسرت حاضر بود یا غایب (و در شهر دیگری بود و تو به او دسترسی نداشتی؟)

زن گفت: - بل حاضرأ. حضرت فرمودند: تو رهایی تا جمل خود را بر زمین گذاری. زن پس از مدتی بعد مراجعه نمود و تقاضای تطهیر نمود امیرالمؤمنین خود را به تجاهل زده و پرسیدند از چه چیزی تو را تطهیر نمایم، و زن شرح ماجرا کرد و حضرتش دوباره سؤالهای مربوط به همسر داشتن زن ... را اعاده نمود و همان پاسخها را گرفت و سپس فرمود:

تو رهایی تا فرزندت را دو سال کامل شیردهی. زن پس از ۲ سال برای بار سوم مراجعه کرد، و تقاضای خود را تکرار نمود. مجدداً حضرت پس از اظهار تجاهل سؤالات خود را تکرار کرد. و جوابهای مکرر را بازپس گرفت و این سومین شهادت زن بود و لذا حضرت فرمود: تو رهایی تا فرزندت را کفالت و سرپرستی

نیود چنانچه در روایات متعدد به این امر اشاره شده و اجماع فقها هم بر آن قائم است.

مانند روایت محمد بن مسلم از حضرت امام صادق علیه السلام که فرمودند: چنانچه قبل از اجرای حدود رجم توبه کند، رجم از وی ساقط است و روایات متعددی در این زمینه موجود است. مرحوم شیخ حر عاملی روایاتی متعدد متذکر می‌شوند مبنی بر آنکه اگر کسی در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اقرار به زنا می‌نمود حضرت به منظور جلوگیری از اجرای حد بدلیل عدم تمامیت شرایط لازم وی را به توبه امر می‌نمودند، و وی را از تکرار به اقرار منع می‌کردند و در واقع او را به عمران بنیان معنوی و انسانی ترغیب می‌نمودند.

۲- شهادت گواهان

راه دوم اثبات جرایم، شهادت گواهان است که در

● دو ویژگی مهم در مجازات اسلامی بر جنبه بازدارندگی و تربیتی آن می‌افزاید. یکی سختگیری و دقت و وسواس در اثبات جرم، چنانچه به مواردی اشاره شد و دیگری، شدت مجازات و غیر قابل اغماض بودن آن پس از اثبات

● بر این اساس خداوند برای اداره صحیح نظام بشری، احکامی را فرض نموده است که با اجرای آن، اصل حیات، عرض و مال، آزادی فردی و اجتماعی، امنیت از آسیب اخلال‌گران و اضرار آنان که موجب فساد در زمین است، و مصونیت در قبال تهمت‌ها و افتراها، تضمین می‌گردد.

اعتبار شاهد و بینه هم شرایطی معهود و منظور است که اگر در مواردی مشهود با توجه به شرایط، انطباق نداشته باشد رجم ساقط و خود شهود بدلیل افتراء و تهمت مورد مجازات قرار خواهند گرفت مگر آنکه کسی که مورد تهمت قرار گرفته، آنان را بخشیده و عفو نماید.

جمع آن شرایط در یک مورد غالباً و بلکه اکثر قریب به اتفاق موارد غیر ممکن بوده به طوری که امکان شهادت را سلب می‌کند. مثل آنکه شاهدان باید کمتر از چهار مرد یا سه مرد و دوزن نبوده و شهادت به نحوی صریح و روشن و با توضیح و تبیین جریان به طور کامل از آنان واقع شود یعنی همه با هم صحنه را در یک زمان و در یک مکان دیده و گفته‌هایشان کاملاً با هم مطابقت داشته باشد.

با این شرایط به روشنی بدست می‌آید که شریعت مقدس اسلام در باب مسایل ناموسی، احتیاط لازم و موکدی را به خرج داده است تا انسانها نسبت به این جریانات بسیار کتوم بوده و امکان هرگونه سوء استفاده از احکام الهی را از مردم سلب نموده و راه را برای شیوع افتراء و تهمت‌هایی از این دست که شدیداً امنیت روانی جامعه را به مخاطره می‌اندازد کاملاً مسدود نماید. زیباتر آنکه پس از اجرای حد الهی و اعتبار و عبرت‌گیری مومنینی که شاهد اجرای آن حد بوده‌اند با تمام صعوبت و سختی که برای مجرم دارد پس از اجرای کیفر که ضرورت زندگی معنوی و اجتماعی انسانهاست، از حیثیت مجرم دفاع کرد. و لازم می‌داند که بر پیکر او نماز گزارده و با کفن خونین خود به خاک سپرده شود. (لازم است مجرم قبل از حد، غسل کرده و کفن بپوشد.)

از نظر روایات هم، وی بنده‌ای تطهیر شده و صاحب قرب الهی است چنانچه در احادیث متعددی این معنا وارد شده است. حضرت راجع به مردی که مورد رجم قرار گرفته بود فرمود:

که این مرد غسل کرده به آنچه که تا روز قیامت وی را طاهر نگه می‌دارد «لقد صبر علی امیر

سیستم قضایی آنان حذف شده و جای خود را به حبس‌های طولی‌المدت با اعمال شاقه داده است. این نکته بر اهل علم کاملاً روشن است که این تلقی از مجازات‌ها و کیفرها ناشی از همان موج اومانیزم و اصالت انسان است که فرد و حیات وی را جدای از مجتمع انسانی، لحاظ کرده و تصویری بی‌منتها از سعادت فردی منهای ملاحظات اجتماعی که بسیار موهوم و تاریک است، برای انسان در نظر گرفته است و این تا بدانجا پیش می‌رود که به هیچ مرکز قانون گذاری اجازه‌ی کشتن و اعدام کسی را که حتی مرتکب قتل عمد تعداد بی‌شماری هم شده باشد، نمی‌دهد. روشن است که در این طرز تفکر آثار حیات بخش احکام جزایی اسلام دریافت نخواهد گردید در حالی که مادر یک بررسی سیستماتیک از احکام اسلام در امر جرایم و مجازات‌ها به راحتی در می‌یابیم که این مجازات‌ها براساس فطرت خداداد بشر و متناسب با مقتضیات

● **بدیهی است که ضمانت اجرای قانون جز به مقابله با خاطیان و قانون شکنان میسر نیست. و باید توسط کیفرهایی متناسب با جرم مجرمین از اخلال در سلامت و مصلحت عام اجتماع جلوگیری شود.**

● **کتب علمای اهل سنت نیز در موارد بیشماری اجرای این حدود را در زمان خلفای متعدد نقل کرده‌اند چنانچه در مجامع روایی ما احادیث عدیده‌ای به چشم می‌خورد که در آنها خبر اجرای رجم به محضر ائمه علیهم‌السلام می‌رسیده است و آنان کلماتی را در اهمیت اجرای حدود بیان فرموده‌اند.**

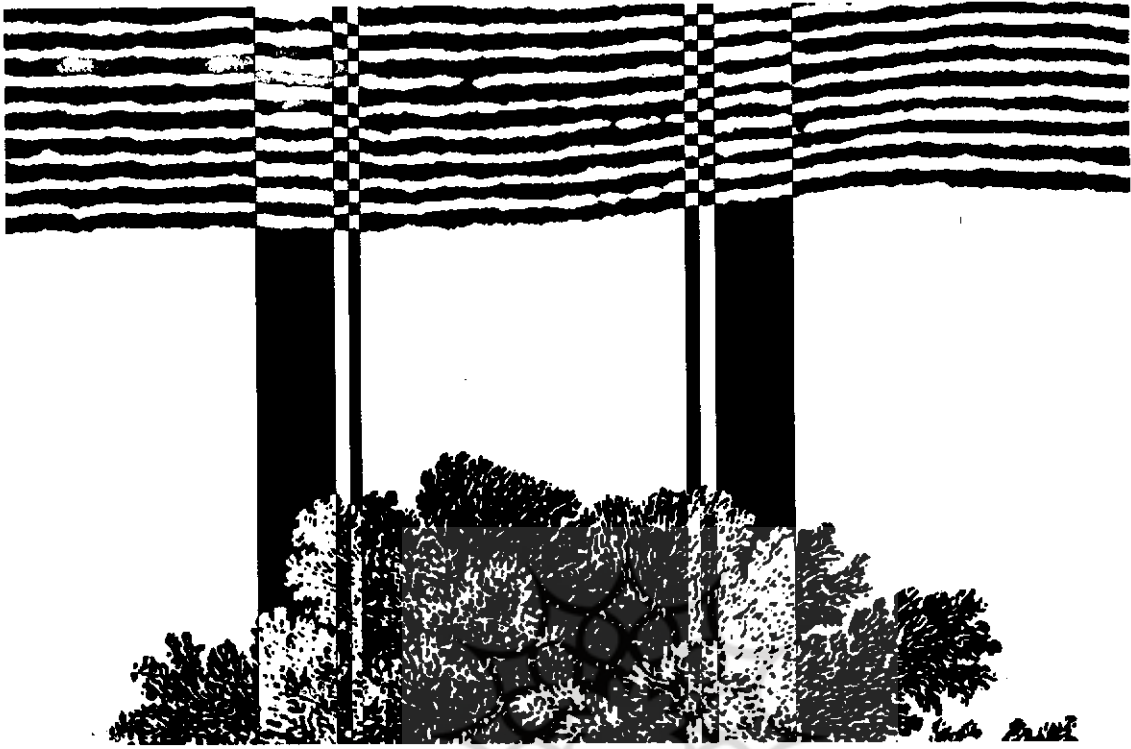
اشکالات و شبهات پیرامون سیستم کیفری اسلام و مسئله رجم

آنچه قابل توجه است و در یک نگاه منصفانه، احکام کیفری اسلام را برحسب احیای جوامع مدنی و تبدیل آنها به بستر رشد فضایل و کمالات انسانی می‌نمایاند، این است که این کیفرها نظر به شرایط لازم برای اجرای حد مانند وقوع مجازات درملاء عام و با توجه به ماهیت شان که دارای شدت و حدّتی خاص می‌باشند، موجب ایجاد یک شرایط روانی ویژه در مجرم و ناظر این صحنه می‌شود که آنان را ازار تکاب یا تجدید عملی که مستوجب چنان ریزش و تزلزی در هویت اجتماعی آنان می‌شود، سخت برحذر می‌دارد و جنبه پیشگیری آنان بسی وسیعتر از جوانب درمانی می‌باشد. در سال ۱۹۵۱ از طرف «مجمع حقوق تطبیقی دانشکده حقوق جهانی پاریس» به منظور بررسی سیستمهای مختلف حقوقی موجود در جهان کنگره‌ای برگزار شد که یک هفته از مدت زمان برگزاری آن به بررسی فقه اسلامی اختصاص یافت. در این کنگره که جمعی از مستشرقین و حقوقدانان کشورهای اسلامی و اروپایی حضور داشتند پنج موضوع مورد بررسی قرار گرفت. اعضای شرکت کننده در کنگره در پایان گردهمایی اعلام کردند: «فقه اسلامی با داشتن ذخیره فوق العاده بزرگ و سرشار از قوانین و نصوص می‌تواند پاسخگوی همه دوران‌ها باشد.»^(۱۵)

چه به جاست که جهان سال دوهزار به جای اشکال تراشی و شبهه‌اندازی بسیاری برای یک بار هم که شده فقه جزایی اسلام را تجربه کند و از جاری نشاط آور آن بهره‌مند گردد.

به منظور تکمیل بحث، دو شبهه از شبهات مطرح شده راجع به این قوانین را مطرح و پاسخ می‌گوئیم:

شبهه‌ی اول: «دستورات جزایی اسلام از جمله رجم، دستوری خشن و غیرمنطقی است.» در اغلب قوانین مدون کشورهای غربی مجازات اعدام از



است به طوری که اعمال و کردار خود را مطابق برآیند نظر دیگران تنظیم نمایند و منتظر قضاوت آنان باقی می‌مانند و هر آنچه موجب مخالفت و بی‌مقداری آنان در نظر عرف باشد برایشان غیرقابل قبول است.

امروزه حقوقدانان، این روش را بهترین و موفق‌ترین راه برای کیفر مجرمین، شناخته و می‌گویند: باید از طبیعت تقدیر کنیم که خجلت را مانند یک بلیه برای مردم و بزرگترین اثر مجازات را ننگ تحمل مجازات قرار داده است.^(۱۶)

توجه: مجموعه‌ی طرح‌های اعتقادی، اخلاقی، عبادی، سیاسی، اجتماعی و حتی کیفری اسلام این معنا را ثابت می‌کند که حول محور تربیت بشر می‌گردند و این اصل عامی است که اسلام همواره در زوایای متعدد احکام خود، آن را دنبال می‌کند، از یک سو تزکیه فردی را پایه هرگونه تعلیم قرار داده و از طرف دیگر حکومت اسلامی را مأمور به ایجاد فضای نشاط آور معنوی می‌کند از طریق مجازات‌های بازدارنده و اصلاح‌گر راه ارتکاب مجدد را بر آنان بسته و موجبات رشد علفهای هرزه را در

فطری و حتی درخواست‌های غیرارادی اوست. اسلام، با وسعت نظر و کمال بصیرت، تمام ابعاد انسانی را مورد بررسی قرار داده است و بر وفق آن، قوانین را وضع نموده است یکی از ویژگی‌های فطری هر موجود زنده و جاننداری این است که هیچ گاه در مقابل تعدی و تجاوز، مخصوصاً جنایات ناجوانمردانه و عمدی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد بنابراین شارع مقدس با تقریر و تأیید این خصیصه‌ی انسانی و شناسایی کامل آن، قانون حدود و تعزیرات و قصاص را تأسیس فرموده و در حقیقت به این نیاز فطری جواب مثبت داده است و با وضع این قانون مقدس فرد جانی و متجاوز را از مداومت در جنایات بازداشته و در اجرای حکم هم به رعایت عدل و انصاف قویاً تأکید کرده است.

انسان ذاتاً، همواره از ضرر و نیستی گریزان است و در برابر هر آسیبی عکس العمل او، دفاع است. و از طرفی بنابه انگیزه‌ی حب ذات، خواهان محبوبیت و مورد تأیید بودن دیگران است. و این خود وسیله‌ای برای تنظیم رفتار اجتماعی افراد

رایگان جرایم را هموار می‌سازد اگر زندان‌ها و حبس‌های طولی مدت یک راهکار اساسی برای درمان جرایم خلاف عفت بود، قطعاً می‌بایست در این کشورهای مترقی، درصد این جرایم به حداقل رسیده باشد و حال آنکه آمار و ارقام دقیقاً خلاف این معنا را نشان می‌دهد، علاوه بر آنکه اینان خود صاحبان فجایع و قتلها و غارت‌های وسیع و سمبل رفتارهای غیرانسانی و حرکات شنیع نسبت به مستعمرات خود بوده و برای کسب قدرت برتر، هرگونه اعمال غیر انسانی را شایسته خود می‌دانند.

روزنامه نیویورک تایمز در سال ۱۹۹۶ با استناد به گزارش وزارت دادگستری آمریکا نوشت: «در مجموع پنج میلیون نفر شهروند آمریکایی تحت نظر و کنترل نظام قضایی ۱/۵ میلیون نفر آنها در زندانهای فدرال و ۲/۵ میلیون نفر دیگر بخشوده شده یا تحت نظر پلیس می‌باشند» و نیز می‌نویسد:

● آزادیهای جنسی و فقدان نظام کیفری صحیح، برای ممانعت از جرایم، جهان را با پدیده‌های هولناکی روبرو کرده است، همچون ارقام نجومی مبتلایان به ایدز در سراسر جهان و فروپاشیدن نظام مقدس خانواده ره آورد لیبرالیسم جنسی در دهه ۶۰ برای جامعه آمریکا این بوده که حدود یک پنجم زنان زیر ۲۰ سال به روابط جنسی خارج از خانواده روی آوردند و این میزان در دهه بعد به یک سوم رسید.

«هرچند افزایش سریع زندانیان نشانه کارآیی نظام قضایی آمریکا می‌باشد ولی جرم شناسان و سیاستمداران بر سر این مسئله که افزایش زندانیان بتواند به میزان جرم و جنایت در جامعه آمریکا تأثیر بگذارد تردید دارند.»^(۱۸)

آزادیهای جنسی و فقدان نظام کیفری صحیح،

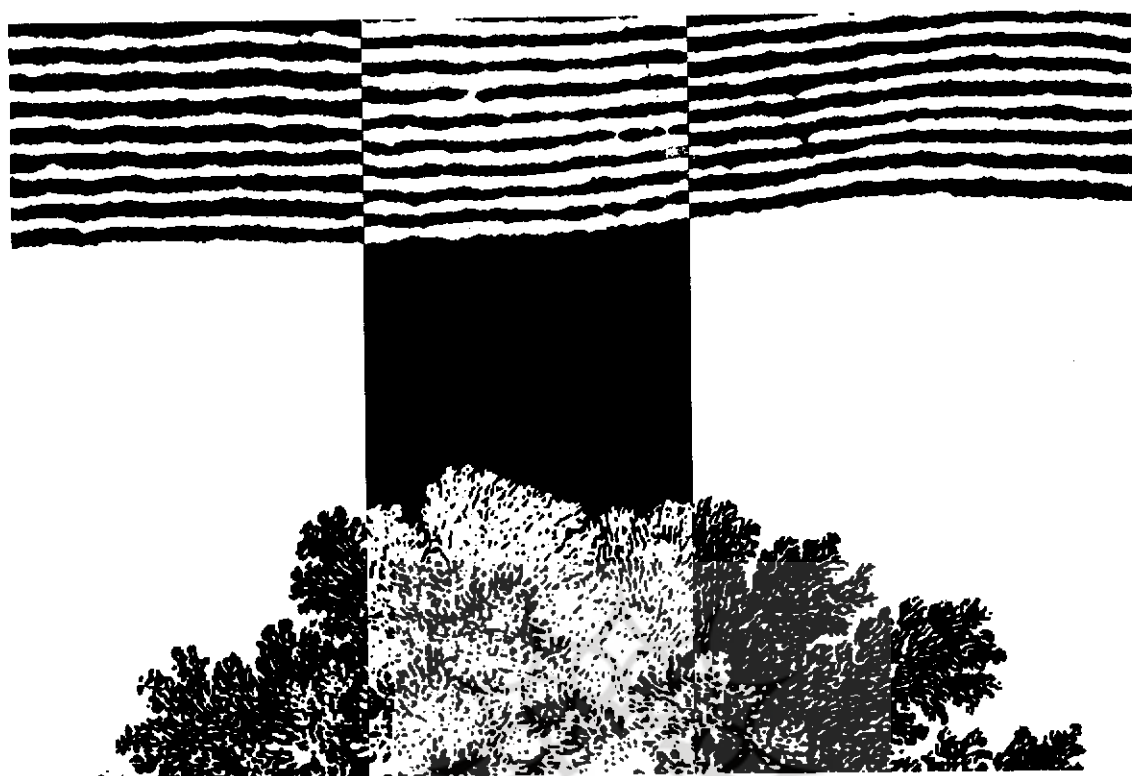
پیکره‌ی اجتماع فراهم نیاورد.

البته در مواردی هم حبس، به عنوان کیفر در فقه اسلام مطرح می‌باشد که باید مکانی باشد که موجب اصلاح ساختار فکری و اخلاقی آنان گردد چنانچه حضرت امیر علیه السلام در روزهای جمعه زندانیان را به نماز جمعه می‌بردند تا اخبار سیاسی و مذهبی را در ضمن خطبه شنیده و با نماز نیز خود را بسازند.^(۱۷)

از این مطالب روشن می‌شود که اگر چه اجرای حدودی با توجه به احراز شرایط آن بسیار کم اتفاق می‌افتد، لکن بر همگان روشن است که اجرای آن ولو در موارد معدود و نادرش، چنان از حرکت خزنده فساد جلوگیری می‌کند که هیچ امری را با آن برابر نیست و به مراتب از آنچه در پستوی ندامتگاهها اتفاق می‌افتد مؤثرتر است.

بعضی افراد عصر زده که روش معمولشان جداسازی یک حکم از خلال احکام اسلام و بررسی جداگانه آن از سیستم است، بدون لحاظ هرچیز دیگری، به اجرای حدود اشکال کرده و آن را رفتاری خشن قلمداد نموده و مقتضای جامعه مدنی نمی‌دانند. غافل از آنکه اگر اساس یک جامعه مدنی رشد یافته بر کرامت انسان و رعایت حقوق آنان باشد، تفاوتی میان حق یک انسان و کل جامعه نیست. در اسلام، ارزش و قیمت یک فرد، برابر است با ارزش اجتماع و یک انسان موحد همانقدر گرامی است که اجتماع انسانی و بالعکس، پس نمی‌توان معدود افراد خطاکار را چنان رها نمود که حیات طیبه اجتماعی را مورد مخاطره قرار دهند و به گسترش فضای متعفن گناه و فحشاء دامن بزنند. و نیز روشن است که حبس‌ها و اعدام‌هایی مانند آنچه در کشورهای غربی اعمال می‌شود، نمی‌تواند مانع و رادع محکمی برای جلوگیری از ارتکاب جرم باشد چنانچه آمار هم آن را نشان می‌دهد.

بدیهی است که زندانها، علاوه بر تحمل هزینه‌های بالا بر گروه اموال عمومی ملت‌ها راه به جایی نبرده، بلکه موجب اجتماع جانپان و عاصیان با تجربه و نوپا شده و راهی برای تعلیم مجانی و



سوم رسید. با تحقیقی که در یکی از دانشگاهها بعمل آمد معلوم شد ۵۷٪ زنان و ۴۷٪ مردان در سال ۱۹۷۷ روابط جنسی بدون ازدواج داشته‌اند. در بررسی‌های علمی و جامعه‌شناختی اکثر صاحب نظران از خانواده آمریکایی، به عنوان پدیده‌ای پایان یافته یا دارای بحران یاد می‌کنند. آخرین آمارهای ملی نشان می‌دهد. از هر ۱۰ دختر آمریکایی ۱۹-۱۵ ساله یکی حامله می‌شود، که در ۹۵٪ موارد ناخواسته می‌باشد. در سال ۱۹۹۲، حدود ۸۰۰ مورد سقط به ازای هر ۱۰۰۰ موالید زنده در دختران ۱۹-۱۵ گزارش کردند.^(۱۹)

سه چهارم مردم امریکا معتقدند که زندان به تنهایی روش موثری برای مبارزه با فساد جنسی نیست.

حال سوال است این که آیا بهترین قانون آن قانونی است که مصالح و مفاسد واقعی بشری را در نظر گرفته و براساس آن وضع شود و یا آن قانونی که عقل و فکر و منطق را محکوم جزء نگری و احساسات کرده و از خشنودیهای زودگذر پیروی نموده و آن را در قانونگذاری متمسک خویش قرار

● شریعت مقدس اسلام در باب مسایل ناموسی، احتیاط لازم و موکدی را به خرج داده است تا انسانها نسبت به این جریانات بسیار کتوم بوده و امکان هرگونه سوء استفاده از احکام الهی را از مردم سلب نموده و راه را برای شیوع افتراء و تهمت‌هایی از این دست که شدیداً امنیت روانی جامعه را به مخاطره می‌اندازد کاملاً مسدود نماید.

برای ممانعت از جرایم، جهان را با پدیده‌های هولناکی روبرو کرده است، همچون ارقام نجومی مبتلایان به ایدز در سراسر جهان و فروپاشیدن نظام مقدس خانواده ره آورد لیبرالیسم جنسی در دهه ۶۰ برای جامعه امریکا این بوده که حدود یک پنجم زنان زیر ۲۰ سال به روابط جنسی خارج از خانواده روی آوردند و این میزان در دهه بعد به یک

که او مأمور به این کار از سوی اوست.

دهد.

یادداشت‌ها:

- ۱- انعام / ۱۵۱ - مائده / ۳۲ - ۳۵ - نساء / ۹۳ - بقره / ۱۷۹ - ۱۷۸ - اسراء / ۳۲
- ۲- نور / ۲ - نور / ۴ - مائده / ۳۸ - نور / ۲۸ - ۲۷ - بقره / ۱۸۹
- ۳- حجرات / ۱۲
- ۴- مائده / ۲۳
- ۵- حجرات / ۱۲ - ۶
- ۶- بقره / ۱۷۸
- ۷- فرهنگ فارسی و عربی
- ۸- وسائل الشیعه - ج ۱۸ - ص ۳۱۷ (باب ۱۰ ابواب مقدمات الحدود ج ۱ و ۲)
- ۹- روایت صحیح از حنان بن سریر از امام باقر در اهمیت حد: حَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَبِي فَيُنَظَرُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَأَيَّامَهَا وَ رَوَيْتُ حَسَنَةَ ابْنِ سَكُونٍ أَنَّ إِمَامَنَا صَادِقَ (ع) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِفَاضَهُ حَدٌّ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ أَوْ بَعِينٍ مَبْنِيحًا
- ۱۰- وسائل الشیعه / ج ۱۸ ص ۳۷۶ (ابواب حد الزنا - باب ۵)
- ۱۱- در کتب فقهی جرم تعریف نشده است بلکه فقهای عظام به جای تعریف، آن را طبقه‌بندی نموده‌اند و ملاک طبقه‌بندی هم نوع مجازاتی است که در شرع پذیرفته شده است مانند علامه در شرایع و شهید در مسالک و بر همین منوال در کتب شریف لعمره، جامع المقاصد، مستندالشیعه و ریاض...
- ۱۲- جواهرالکلام / ج ۴۲ / ص ۲۹۱
- ۱۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸ - ابواب حد الزنا - باب ۱۶ - ج ۱
- ۱۴- وسائل الشیعه / ج ۱۸ / ابواب حد الزنا / باب ۱۴ / ج ۲
- ۱۵- سیستم کیفری اسلام
- ۱۶- روح القوانین - منتسکیو ص ۲۰۲ - ۲۰۱
- ۱۷- قضاء در اسلام صدرالدین بلاغی
- ۱۸- نقل از نشریه کار و کارگر تاریخ ۱۳۷۴/۶/۶
- ۱۹- جزوه بررسی نتایج حاملگی نوجوانان - خانم کزازگر

قابل ذکر است که دو ویژگی مهم در مجازات اسلامی بر جنبه بازدارندگی و تربیتی آن می‌افزاید. یکی سختگیری و دقت و وسواس در اثبات جرم، چنانچه به مواردی اشاره شد و دیگری، شدت مجازات و غیر قابل اغماض بودن آن پس از اثبات، نظیر سنگسار یا قصاص، با این دو خصوصیت است که در سایه‌ی مجازات اسلامی، خیانت بوجود آمده در فرد رفع و گرایش به خیانت در جامعه دفع می‌شود. به همین دلیل است که عالم آل محمد صلی الله علیه و آله امام باقر علیه السلام می‌فرماید: حدی که در زمین اقامه شود پاک‌کننده‌تر از چهل شبانه روز باران است.

شبیه دوم: «اجرای حدود مانند رجم، منوط به آنن امام معصوم می‌باشد و در زمان غیبت قابلیت اجرا ندارد» دیدگاه فقها در این زمینه، مختلف است بعضی اجرای حد را تنها خاص زمان حضور معصوم علیه السلام می‌دانند و برخی می‌گویند: در زمان غیبت اجرای حدود وظیفه‌ی فقیه جامع الشرایط است و عده‌ای قائلند قاضی برای صدور دستور اجرای حد باید مجتهد باشد، تا بتواند حکم را به اجرا درآورد. که البته بنا بر تحقیق، هیچ‌گونه دلیلی بر تخصیص حکم به زمان معصوم علیه السلام وجود ندارد، بلکه روایات وارده در باب اهمیت حدود و تحقق آن، بیانگر شمول حکم راجع به تمامی اعصاب است.

نهایتاً اینکه اجرای آن فقط به دست امام یا نایب او یا منصوب از سوی اوست و بنا بر دیدگاه فقهی ما مبنی بر نیابت عامه فقهای جامع الشرایط از سوی ائمه معصومین علیهم السلام دلیلی بر عدم مشروعیت اجرای حدود در زمان غیبت وجود ندارد.

چنانچه علامه حلی در کتاب «قواعد» اینگونه می‌فرماید «... و هو الامام مطلقاً أو مَنْ يَأْمُرُهُ» و علامه ابن براج در مذهب می‌نویسد «و لیس مقیم الحدود إلّا الائمه علیهم السلام او مَنْ يَخْصُبُونَهُ لَئِنْ أَوْ يَأْمُرُونَهُ»، اشاره به اینکه اقامه‌کننده‌ی حدود یا امام است یا منصوب از ناحیه‌ی او برای این امر یا کسی